

آرک

گناهنامه اینترنتی
مجله موسیقی نازبد
مردادهزار و سیصد و نود
شماره سوم

بزم آوا

مجله موسیقی ایرانی شماره ۱ سوم مرداد ۱۳۹۰

مدیر مسئول و طراح گرافیک: گل آرا توکلیان

نقل و انتشار مطالب این مجله تنها با رضایت کتبی امکان پذیر است

برای تبلیغات با ۰۹۲۵۳۷۶۸۶۲۹ تماس بگیرید

www.BarbadMagazine.Com

BarbadMagazine@Gmail.Com

با تشکر از: باشار ریفا، پیوند آخوندزاده، یاس

کاوه آفاق، آرین نائینی، امیر بیداد قهرمانی، مسعود شیری

نادیس و کلیه کسانی که در این مسیر مرا یاری نمودند

فهرست

مصاحبه با مهسا وحدت	۶
مصاحبه با فریدون آسرایی	۱۴
مصاحبه با کاوه آفاق	۲۰
مصاحبه با حسین تهی	۲۶
تاریخ موسیقی	۳۴

مقدمه سردبیر

درد به شمایی این شماره از مجله را هم دلتود کردید در این نسخه از مجله تغییراتی را خواهید دید که بنده مدت

ها در بند ایده های آن بودم و چند ماه اخیر به این "بلور" رسیده ام که آن ها نیز لایق آزادی و جالب توجه اند.

همانطور که می دانید تنها عهده دار این مجله خودم هستم و تعجبی نیست که در انتشار آن تاخیر بیش می آید

چرا که هماهنگی و چیدمان تمامی این کارها با هم نیازمند وقت، سرمایه و خیلی چیزهای دیگر است و فقط

حمایت های شما مایاری می دهد که بتوانم در هر شماره "بلور" درست تری نسبت به داشتن یک مجله اینترنتی

موسیقی چه از نظر محتوا و چه از نظر بصری ارائه دهم پس بپوشش مرا پذیرا باشید

همینطور می توانید در فیس بوک، فن پیج مجله را هم حمایت کنید یا سپاس فرولان

طی این مدت برای شروع متن مقدمه می ترسیدم... همش به این که امروز بالاخره شروعش می کنم فکر می کردم و تا این رو به خودم می گفتم، مثل یک بچه که از دست مامانش به خاطر خوردن یک غذای مقوی اما بد مزه فرار می کنه، از خودم فرار می کردم!

کمی بعد یادم اومد من باور هایی دارم که به اون ها افتخار می کنم. چه خوب می شه اگه من و شما با هم شریک بشیم و در مورد باورامون فکر کنیم... اینکه آرزویی داریم و همیشه در حد همان آرزو نگهش می داریم. چقدر ناراحت کنندست که ما خیلی موقع ها خواسته هامونو در حد یه تصمیم و همیشه در همون حد نگه می داریم و اگر چرخه ی قوائد زندگی نبود، خوردو خوراک و خواب و این حرفا رو هم زیر سیلی رد می کردیم!

ما ها همیشه می خوایم از شنبه رژیم بگیریم یا از فردا صبح دیگه دروغ نمی گیم، سر جلسه ی امتحان دست به دامن خدا و بونصد نفر دیگه که اگه این امتحانو خوب بدم قول میدم واسه بعدی حتما بخونم.

باور کردن رویا هامون یعنی رسیدن به زیبا ترین خواسته های زندگی یعنی خوشحال بودن. خوشبختی.

یعنی این که آرزو هامونو پی گیری کنیم و از دست ندیمشون. شاید شما می خوای یه عکاس بشی اما تخصصی در موردش نمی دونی... به خاطر اینکه الان نمی دونی به این معنی نیستش که عکاس خوبی نمیشی و کلا به درد این کار نمی خوری.

به خودت میگی بیخیال همین رشته ی مکاتیک رو ادامه بدم ببینم چی میشه...! اما من بهتون میگم وقتی هنوز واسه روایات قدم برداشتی از کجا میدونی که توش موفق نمیشی؟؟ همه ی آدم هایی که به خواسته هاشون رسیدن به این باورند اصلا از کاری که انجام دادن پشیمون نیستن، بلکه بهش افتخار می کنن.

لطفا از آرزو هاتون زود دست نکشید!

اگر به یکیش رسیدید دنبال بعدیش برید و همینجور ادامه بدید. اگر کسی به آرزو و رویای شما اعتقادی نداره، من باید بهتون بگم که شما به عنوان یک انسان اینقدر با ارزش هستی که به دنبال خواسته هات بری، پس اول اینکه آرزو هاتونو درست انتخاب کنید و بعد با رسیدن به آرزوتون به کسی که باورتون نداره بفهمونید در موردتون اشتباه قضاوت کرده و شما لایق بهترین چیزها هستید.

از زندگیتون لذت ببرید؛ فقط یادتون باشه که سرتا سر این مسیر زندگی همیشه راه، هموار نیست. رویا هاتون رو درست انتخاب کنید، قلب هاتون رو پاک نگه دارید، مثل یه بچه آرزو کنید. به اعتقاد های دیگران احترام بگذارید. رنگا رنگ بیوشید. آهنگ های خوب گوش کنید. دست از سر آهنگای غم آلود و گریه دار هم بردارید!

از چیزی که الان دارید لذت ببرید و خدا رو شکر کنید. داشته های الان شما خواسته های یک نفر دیگه هست؛ نمی خوام بگم تو آفریقا یا فلسطین دنبالش بگردید، بلکه تو همین ایران خیلی ها هستن... تا حدی هم به اون ها کمک کنید. رمز همیشه لبخند داشتن رو همین الان بهتون گفتم! معلوم نیست فردایی وجود داره یا نه. پس با این سخن از خیام حرفم رو تموم می کنم:

این قافله ی عمر عجب می گذرد / در یاب دمی که با طرب می گذرد
ساقی غم فردای حریفان چه خوری / پیش آر پیاله را که شب می گذرد

علاقله



دیده زاهدانی برگزار شد. در آنجا به همراه خواهرم مرجان آلبوم "آواهایی از باغ ایرانی" را اجرا کردیم و همان جا ضبط شد. با همراهی نوازندگان نروژی و ایرانی که در نروژ منتشر شد. اجرا های زیادی در آلمان، هلند، انگلستان، نروژ، فرانسه، ایتالیا، سوئیس، ایالات متحده و... داشتیم و در بسیاری از فستیوال ها، جشنواره های موسیقی و...

اما مهسا وحدت در مورد آلبوم هایش می گوید: اولین آلبوم در ایران یعنی "ریشه در خاک" در سال ۸۴ منتشر شد. این نام برگرفته از شعر فریدون مشیرپست و سعی در پی دست یافتن به زبان دیگری از تلفیق موسیقی سنتی ایرانی با اشعار شاعران نوگرای معاصر دارد و آهنگ ساز آن پژمان طاهری است.

در زندگی هنری من، دو نفر نقش بسزایی داشتند، خواهرم مرجان و همسرم اتابک الیاسی. من در دانشگاه هنر تهران در رشته ی موسیقی تحصیل کردم و با همسرم در دانشگاه آشنا شدم. ایشان الان آهنگ ساز و مدرس دانشگاه هستن. حاصل فعالیت مشترک من، خواهرم و همسرم آلبوم "حوا منم" است.

"حوا منم" در ایران زاده و ضبط شد و در نروژ و سوئد میکس و مستر شده است. عناصر ملودیک آهنگ ها را هم از دستگاه های موسیقی ایرانی برگرفته ایم و این آلبوم در شهریور ۸۷ منتشر شد. از سروده های شعرای معاصر چون آذر خواجه و لایق شیرعلی در کنار بزرگانی چون مولوی، باباطاهر و طاهره قره العین در آلبوم استفاده شده است. این آلبوم باعث شد ما به بیان خاصی در موسیقی برسیم که خیلی با ارزش هست.

مهسا صحبتش را این طور ادامه می دهد: در سال ۲۰۰۲ رئیس جمهور وقت امریکا؛ جورج دبلیو بوش، یک سری از کشور ها از جمله ایران رو محور شرارت نامید. من کاری به بحث سیاسی ندارم اما کشور هایی که نام برده شد، مسلما ضرر های زیادی براون ها واقع می شد. این کشور ها رو طوری نشون دادند که جنگ طلب و همگی طرفدار

چهره ای شرقی، با طره های مخملی، ظاهری ساده ولی آراسته با صدایی خوش رنگ و لعاب. تحریر هایش گویی پیکره ی سنگ بی جانی را در جهت زنده شدن می تراشد... و صیقل می دهد آن زمزمه هایش، روح آدمی را... مهسا وحدت متولد سال ۵۲ در تهران فارغ التحصیل رشته ی موسیقی از دانشگاه تهران، جزء معدود هنرمندان زنیست که توانسته با وجود همه ی دشواری ها در خارج از کشور حضور فعالی داشته باشد. با این وجود او در ایران زندگی می کند. حضور او مایه ی دلگرمی بسیاری از هنر دوستان است. مهسا دارای صورتی زیباست و این زیبایی بر سیرتش نیز اشاره دارد. چرا که او دارای نگاهی سرشار از مهر و محبت و آرامش است.

مهسا این طور شروع می کند: از سال ۱۹۹۷ یعنی حدود سال های ۷۵-۷۴ من به صورت مستقل کار کردم و البته از ۲ سال بعد جدی تر شد. خواننده های زن آن زمان انگیزه هایی داشتند، می خواستند راهی را عوض کنند. خانم ها در ایران سعی کردند مسیری که در آن قرار گرفته بودند را شکل دهند. تلاش زیادی برای مجوز شد، اما در هر حال اجازه ندادن ولی تا به آنجا رسید که اجازه کنسرت به صورت سولو برای بانوان و یا با همراهی خواننده مرد برای عموم داده شد. در حال حاضر، من ترجیح می دهم به روش های دیگر کار کنم تا این که سانسور بشوم. نمی توانم بپذیرم هنرم که در واقع به معنای خودم هست، محدود شود و در اختیار گروه خاص مثلا تنها برای خانم ها باشد. به عقیده ی من هر نوع هنری باید در اختیار سرتاسر مردم دنیا قرار بگیرد.

از مهسا شروع کنسرت هایش را می پرسم و او متذکر می شود: اولین کنسرتم خرداد ۷۴ به همراه گروه "خنیا" در مرکز نویسندگان در تهران بود. بعد در "فرهنگسرای سرو و نیاوران" و بعد از آن در تالار وحدت سال های ۸۰ و ۸۲ و... آخرین کنسرت ایرانم اول خرداد سال ۸۶ در سفارت ایتالیا جهت حمایت از کودکان آسیب

خشونتند. به اندازه ی کافی چهره ی این کشور ها در رسانه های خارجی مخدوش شده هست و درست نبود که این حرف از سوی مسئول کشوری مثل امریکا گفته بشه .

این گفته در نظرم نسنجیده و غیر مسئولانه بود. خیلی ها این حرف رو نپسندیدند و بسیاری هم تحت تاثیر اون قرار گرفتن. این سخن ، اریک هیل استاد ، تهیه کننده شرکت " کیرکه لیگ کولتورورک ستد " نروژی رو خیلی به فکر فرو برد. در نهایت این ایده به ذهنش اومد و او تصمیم گرفت لایلی های شبانه کشورهای مورد خطاب واقع شده رو با لایلی های کشورهای غربی ترکیب کند و با بیانی هنرمندانه و به کمک خوانندگان زن اهل کشورهای محور شرارت جواب صلح آمیزی به حرف رئیس جمهور امریکا داده بشه.

لایلی که از طبیعی ترین ارتباط های موسیقایی است، به شکلی ساده تأثیرات عمیقی برجای می گذارد. لایلی از زبان مادرانه ی یک زن بیرون می آید. زنانی که مهد گسترش و پرورش اند. آن ها از عمق وجودشان برای کودکان معصوم خود در هر شرایطی لایلی می خوانند تا فرزندش با عصاره ی عشقی که از عمق صدایش طنین انداز است، بخوابد...

این آلبوم حکایت مادریست که می خواند، برای کودکانی که ما باشیم. با وجود این همه نا آرامی و تشویش ، مادر با لایلی های دل انگیزش ما را به خواب دعوت می کند... دعوت به خوابی شیرین. اما مادر می داند که دنیا دچار چه تشویشیست... بگذریم.

مهسا می گوید: آلبوم مذکور با وجود این که لایلیست اما مرا بیدار کرد و به زندگی هنری ام رنگ و فرم دیگری بخشید. آلبوم لایلی ها قلب ها را به هم نزدیک کرد و خصیصه های مشترکی در بین انواع لایلی در سرتاسر دنیا دیده شد: تشابهاتی در ساختارمتنی و ملودیک غرب و شرق و اینکه تمام مردم دنیا تقریباً به یک صورت برای فرندانیشان می خوانند...

در همین آلبوم است که ایده ی دیالوگ در کارهایم جدی تر شد. دیالوگ بین فرهنگ ها ، تمدن و هنر. اریک هیل استا به ایران، عراق، فلسطین، افغانستان، کره شمالی، سوریه و کوبا، نروژ، سوید، دانمارک، انگلستان سفر کرد و در ایران از من و خواهرم ۲ آهنگ و همین طور از خانوم پری زنگنه ۱ آهنگ ضبط کردند. بعد از آن فعالیت ما با ایشان بیشتر شد و سفر کردیم و با هنرمندای فلسطینی، عراقی و نروژی دیدار داشتیم تا آلبوم "لایلی های محور شرارت" حاصل شد که بسیار مورد توجه قرار گرفت بخصوص در امریکا خیلی مورد استقبال واقع شد.

مهسا وحدت در سال ۲۰۰۸ به پیشنهاد اریک هیل استا برای حضور در پروژه ای به نام " نوا های عاشقانه ی تمدن ها" با "مایتی سم مک کلین" خواننده ی سبک بلوز آمریکایی و نامزد دریافت جایزه گرمی همکاری کرد، که در نهایت آن ترانه در آلبوم "بوی خوش وصل" به بازار ارائه شد. دو نفر با وجود تفاوت های فرهنگی و مذهبی و سبک سیاق متفاوت، با همکاری یکدیگر ترکیب دل پذیری را ساخته و پرداخته و آرامش خاصی را به شنوندگان منتقل می کنند.

جدید ترین آلبوم مهسا "در آیینی شراب" نام دارد و در آن همراه با گروه گر پُر آوازه اسکروک همکاری می کند. این آلبوم در کشور نروژ توسط نشر موسیقی کیرکه لیگ کولتورورک ستد (ک.ک.و.) به بازار

معرفی شد. اشعار منتخب در این آلبوم اشعاری کلاسیک از حافظ و رومی می باشد. "در آینه ی شراب" در دو کلیسای یاکوب و ولدا در خرداد و تیر ماه ۸۹ در شهر اسلو توسط آلف کریستیان هویدستین ضبط شد. این نقطه ی تلاقی آواز ایرانی همراه با موسیقی کلیسایی نروژ و موسیقی جاز است. در اروپا، کلیسا قرن ها غیر از اینکه مکانی برای موعظه و تقدس الهی باشد، به عنوان مکان فرهنگی-هنری نیز مورد استفاده قرار می گیرد و مهسا وحدت چند کنسرت در کلیسا های مختلف نیز اجرا داشته..

جدید ترین آلبوم مهسا تابستان ۹۰ در تهران به همراه "مرجان وحدت" و با "گروه ایرانی" ضبط خواهد شد. این آلبوم مجموعه کار های مهسا و مرجان است که در طی این سال ها در کنسرت هایشان اجرا می کردند. انتشار این آلبوم در پاییز-زمستان ۹۰ خواهد بود.

بعد این صحبت ها من و مهسا در مورد ارتباط حرف می زنیم و از دیالوگ ها می گوئیم و اینکه چقدر خوب است اگر هنرمندان ایرانی با هم و با هنرمندان خارجی همکاری داشته باشند. این ما هستیم که میتوانیم ایران را از نو بسازیم. مهسا از جمله هنرمندانیست که فرهنگ سازی و هنر پروری را از یاد نبره و آن را به تار و پود خود بافته است.

جالب است بدانید مهسا از سال ۱۳۸۶ اسفیر موسسه فری میوز شد. مهسا متذکر می شود که فری میوز موسسه ای فرهنگی-هنری جهت دفاع و حمایت از تمامی هنرمندان موسیقی در سرتا سر دنیاست و اهداف دیگری ندارد.

همین طور مهسا در ایران تدریس می کند. او ماحصل تلاش هایش را در اختیار هنر جوان می گذارد. مطمئنا او تنها اصول علمی و عملی موسیقی را آموزش نمی دهد و فرا تر از این ها کار می کند. مهسا پرورش می دهد، هدایت می کند و راه نشان می دهد. راهی روشن برای رسیدن به نگاهی درست و واقع بینانه و در نهایت دوستی و محبت و آن ها را به این راه سوق می دهد. جالب این جاست که ما با آوای طنین انداز او به این مفاهیم می رسیم.

مهسا وحدت متذکر می شود: اسم آوردن تک تک استادانم شاید امکان پذیر نباشد اما از "خانم پری ملکی" و "آقای مهدی فلاح" بسیار متشکرم زیرا این دو بزرگوار، تنها فن وفوت آواز را به من آموزش ندادند، بلکه راهنمایی های راه گشا و هدایت گری را به من معرفی کردند و یاد دادند که در هنرم، خودم باشم و آن مسیری که حال در آن قرار دارم حاصل هدایت این دو استاد بزرگوار است.

مهسا وحدت در انتها تاکید می کند: بهتر است بسیاری از مسایل را به "هنر و فرهنگ" سپرده شود، این دو عنصر صلح آمیز، می تواند موثر باشد. چرا که تاریخ ثابت کرده اگر ما بخوایم این قبیل فعالیت هارا به سیاست و سیاست مدار های کل دنیا بسپریم هیچ چیزی حل نخواهد شد و آن ها کاری جز خراب کردن رابطه ها ندارند ولی اگر به تمدن و فرهنگ احترام بگذاریم به صلح نزدیک تر خواهیم شد.



PRESTIGE STUDIO
www.Barbadmagazine.com

مدت ها هست که من با حسین قیائی همکاری میکنم و از سروده های ایشان بسیار لذت می برم بعد از آلبوم غریبه شرایطم نابسامان شد. به طوری که ایران را ترک کردم. اما از زمانی که با آقای یثربی کار می کنم، همه چیز بهتر شده و امیدوارم بتوانم مسایل گذشته را فراموش کنم

روند کاری من مثل همیشه مثبت و اجتماعی بوده و این مسیر را ادامه خواهم داد. من به عنوان یک هنرمند مسئول، سعی می کنم تا جایی که بتوانم احساسی داشته باشم. آهنگ هایی چون خوشگل عاشق، گل هیاهو و کبوتر جزو کارهایی هستند که در زندگی احساسی ام چنین بوده و آن ها را برای کسی خواندم. در آلبوم جدیدم من به گله و شکایت پرداختم: بگو سرگرم چی بودی/چقدر ساکت و سردی ... آهنگ سلام همان اتفاق های زندگی است ترانه برای فریدون اهمیت زیادی دارد طوری که خودش اشاره می کند: ترانه، سرنوشت آلبوم را رقم می زند. پایه و اساس یک آهنگ خوب را ترانه مشخص می کند. اگر از ابتدا خوب پیش برویم معمولا کار تا به انتها خوب می شود. بد نیست بدانید "رضا تبریزی" شاعر "خوشگل عاشق" ترانه سرای معروفی نبود. ما زمان کمی را صرف کار کردیم ولی آن را درست انجام دادیم و این آهنگمان بهترین شد

حضور فیزیکی خواننده هم تاثیر مستقیم بر ماندگاریش در عرصه ی موسیقی دارد. من یکی از بهترین آلبوم های پاپ بعد از انقلاب را در ایران منتشر کردم، ولی تا ۵ سال بعد از من خبری نبود و محو شدم. از دل برود هر آن که از دیده رود... به هر حال از پارسال تجدید به کار کردم. دوستانم اعتقاد داشتند وقت آن رسیده که حضور پر رنگی داشته باشم. تجربه ی کار زنده ی زیادی دارم... حدود ۱۳ سال در کانادا، کنسرت های زیادی برگزار کردم و در گروه "غزال" و گروه "پرواز" عضو بودم، گروه پرواز همان گروهیست که چندین سال پیش رامین زمانی به همراهی فریدون، هنگامه و کامران جعفری و علی الهی آن را تشکیل داده و آهنگی به نام ایران ایرانم را منتشر می کنند. پس از آن فریدون به ایران باز می گردد و کامران به همراه برادرش هومن عضو گروه بلک کتس می شود اما هنگامه فعالیتش را با رامین زمانی ادامه می دهد و علی الهی هم در حال حاضر رهبر ارکست داریوش می باشد. الان با این دوستان زیاد در ارتباط نیستم مگر به بهانه تبریک سال نو و... تلفتی صحبت می کنیم

داستان ارتباط من با بهروز صفاریان از ابتدای آلبوم غریبه شروع شد و بعد از کنسرت میلاد دیگر تمام شد. در فوتبال ما، گوینده فوتبال آنچنان تعریف می کند انگار تیم های ما فراتر از تمامی تیم های آسیاست. در حالی که این تعریف و تمجید ها تو خالیست. در بازی های مقدماتی، آسیایی و جهانی به جایی نمی رسیدیم و در تیم ملی هم موفق نبودیم. مردم ما دوست دارند بی دلیل یک چیز را بزرگ کنند و از آن تعریف و تمجید بی اساس کنند. متأسفانه این مسئله در موسیقی هم وجود دارد و تعداد فراوانی را شامل می شود. این هارا به عنوان نصیحت عرض می کنم، تمام کسانی که به چیز هایی می نازند در واقع عاری از آن هستند. من در ۳ قاره دنیا، سال ها زندگی کردم و مردم بسیاری با فرهنگ های مختلف دیده ام اما مثل مردم ما را در هیچ جایی ندیدم. ما ایرانیان بعضی خصوصیات بسیار مخربی داریم... موسیقی ایران را با عرب ها، ترک ها و هندی ها مقایسه کنید. کارمان تقلید و غلو است. سینمای ما با همه فقرش باز هم میتواند خودی نشان بدهد. اما موسیقی ما که دارای دو نوع مجاز و غیر مجاز است، در جشنواره های موسیقی به جز سنتی و نوایی به دیگر سبک ها حتی پاپ هم توجهی نمی شود. درست است که آلبوم پاپ زیاد منتشر می شود، اما در جشنواره های موسیقی و فجر، فقط چند کنسرت ساده و دیگر تمام. هنوز اجازه نداریم ساز را در تلویزیون نشان دهیم. همکاران ما هیچ وقت از موسیقی درآمد کافی نداشتند. استودیو، صدابرداری و این جور مسایل و با یکسری درآمد از کنسرت سعی کردیم که امرار معاش کنیم. وقتی هنرمندان ایرانی را با سلن دیون، جورج مایکل، ماریا کری و... مقایسه می کنم متوجه می شوم که ما چقدر در دنیای پاپ نا توانیم. در ایران متأسفانه امکانات نیست. در آنجا تبلیغات در سطح گسترده انجام می شود اما در ایران با ۴ تا پوستر و نهایتاً ۲ بلبورد تمام می شود. ما فروشگاه سی دی به آن صورت نداریم. هنرمندانمان حتی بیمه ندارند. اگر کار باشد کار می کنند، اگر نباشد باید گرسنگی بکشند

من سعی نمی کنم آدم دیگری باشم. هر هنر مندی مشخصه، تکنیک و تحریرهای خاص خودش را دارد. اگر "تو" بتوانی قابلیت- هایت را پیدا کنی، مطمئناً به چیزی که باید باشی و خاص هم هست، می رسی. برای یک هنرمند خوب شدن لازم است که تجربه کافی در بر نامه ی زنده تحصیلات آکادمیک داشته و سولفژ و

نت خوانی را فرا گرفته باشید

آن هایی که نمی توانند،

همانند دکتر تجربی

هستند. من هم چند بار

فریدون آسرایی از هنرمندان خوب کشورمان متولد ۱۳۳۵ و در سبک پاپ فعالیت می کند. در این گفتگو، نقطه نظرات فریدون در رابطه با مسائل اجتماعی مرتبط با موسیقی را می خوانید. او صحبتش را این گونه آغاز می کند: هر هنرمند و هر آهنگ سازو تنظیم کننده ای، مشخصه و امضای مخصوص به خود را دارد. خوشبختانه من همکاران باهوشی داشتم. بعد از فراز و نشیب های بسیار در زندگی هنری ام، فکر میکنم آن طور که باید، به حق و حقوق اصلیم نرسیدم. در آلبوم ریمیکس همکاری کوچکی با نیما صرافی مهر، امیر علیزاده رسول رسولی و پدram کشتکار داشتم. من بهترین نتیجه ی کارهایم را در آلبوم غریبه گرفتم .. اما در آلبوم جدیدم یعنی خاطرات گمشده از موسیقی استاندارد و تنظیم درست استفاده کردم. به هر حال بعد عبور از مسایل ارشاد، اجازه ی نهایی را از کتاب خانه ی ملی گرفتیم و در نهایت مجوز صادر شد و آلبوم "خاطرات گمشده" حدود ۱ ماه است که منتشر و در بازار موجود است. محتوای این آلبوم شامل گزیده اتفاق هایی است که در ۵ سال اخیر در زندگی پیش آمد. البته خود آهنگ این مشخصه را ندارد، اما کارهایم، قسمتی از زندگی شخصیم هستند و البته سهم بزرگی را در بر گرفته اند. ترانه سرا های آلبوم گمشده از ترانه سراهای آلبوم اولم هم حضور دارند: خانم میترا روحانی، عبدالجبار کاکایی محمد صالح اعلا، حسین قیائی و...

گفتگوی با فریدون آسرایی
گل آرا توکلین





کار سولفژ انجام دادم.بعد از تحصیل در رشته ی مهندسی کشاورزی در مانیل فیلیپین به کانادا مهاجرت کردم .۵ سال طول کشید و مسیر زندگیم تغییر کرده بود .مدتی برای دیگران کار کردم بعد از مدتی صاحب رستوران شدم و سپس چند مغازه سی دی فروشی در کانادا باز کردم.الان هم فروشگاه سی دی در کانادا و در ایران استودیوی صدا برداری .در خانواده ی ما پدر عمو و برادر بزرگم می خواندند.ولی من تا زمانی که به کانادا نرفته بودم حرفه ای فعالیت نمی کردم، شاید آنجا هم به اصرار دوستان و تشویق های آن ها پیگیر شدم

فریدون در برنامه های صدا و سیما هم فعال بوده از جمله سریال باغ شیشه ای، برنامه نان و ماه در ماه رمضان و جَنگ ۹۰.البته او متذکر می شود: گاهی برنامه های پر بیننده باعث می شود ترانه هم معروف شود، من از همکاری با سریال باغ شیشه ای زیاد راضی نبودم ،محتوای این برنامه برعکس چیزی بود که به ما گفته بودند

نظر فریدون را در رابطه با موسیقی رپ و هیپ هاپ می پرسم و او می گوید: موسیقی رپ اواخر دهه ۸۰ آمد و موسیقی اعتراض هست و زبانش با موسیقی پاپ متفاوت هست. اگر رپ در ایران رشد کرد به این دلیل است که پاپ کم کار شد.موسیقی خوب همیشه طرفدار دارد. من رپ را نفی نمی کنم ولی متاثر می شوم که در ویدئو ها یکسری مردان خلافکار با آن همه جواهرات زن ها هم بیشتر شبیه زنان فاسدند تا هنرمند.به هر حال با آمدن اینترنت به ایران و تبدیل کل دنیا به دهکده ،این موسیقی هم طرفداران زیادی در ایران پیدا کرد.البته اگر در جهت درست از آن استفاده شود بسیار هم خوب است. در رابطه با موسیقی راک سال های سیاریست که در غرب حضور دارد.بهترین سال های راک را من با پینک فلوید می بینم. قبل از انقلاب هم در ایران گروهی به نام اعجوبه بود که مدتی کار راک انجام می داد، ولی نتوانستند ادامه بدهند.اما امیدوارم راک در ایران بتواند طرفداران زیادی جذب کند.در غرب هنرمندان فعالیت های زیادی دارند ،سبک های زیادی هم دارا می باشند.جاز،بلوز،کلاسیکال،راک و...

در ایران ما سنتی-اصیل داریم و کمی هم پاپ.جدیدا هم رپ و راک اضافه شده

با این حال این ها موسیقی ما تلقی نمی شوند به جز سنتی.هر کدام از این سبک ها دنیای خودش را دارد و ما فقط محدود به این هستیم که از آن ها الهام بگیریم و از دستگاه های موسیقی خودمان استفاده کنیم. با این وجود موسیقی ایرانی شناخته شده نیست اما موسیقی ترکی،عربی هندی.... مشخص است

من برای شروع آلبوم خاطرات گمشده مشکلات زیادی داشتم ،اما آقای مهدی عابدینی (تهبه کننده و از ترانه سرایان آلبوم صیاد علیرضا افتخاری) بسیار به من کمک کردند و شاید اگر ایشان نبودند من موفق به شروع این آلبوم نمی شدم

همه چیز پشتیبانان ی مالی می خواهد، اما اگر بتوانید به صورت یک گروه کار کنید، صدا و سیما هم جوانان را حمایت کند خوب است بستر پیشترفتی برای هنرمندان جوان باشند



PRESTIGE STUDIO
www.Barbadmagazine.com



گفتگویی با کاوه آفاق
گل آرا توکلینان
THE



A

تعمیر وسایل استودیو بودیم و همین جا بود که به آراد گفتیم، وقت آن است که باید از زیرزمین و فشارهای کاذب وارد بر اهالی آن سخن گفت. گیتار را برداشتم و هم زمان ترانه و موسیقی آن را طراحی کردم، دمدمه های صبح بود که آراد تنظیم کار را آغاز کرد. بسیار مسرور بودیم و در عین حال خسته و آشفته، ولی اجرای این ترانه واقعا مرحم روحمان شد. بعد ها به واسطه همکاری در فیلم "Rock On" این اثر را The ways با اروین خاچیکیان، آریان نائینی، آراد آریا و خواننده خوب رپ کشورمان "یاس" اجرا کردیم.

کاوه آفاق در جواب این سوال که چه شد با "یاس" همکاری کردید، می گوید: قبل آن ما از نزدیک با هم آشنا نشده بودیم، تا روزی که به واسطه ی فیلم "Rock On" به کارگردانی شهریار کبیری نشستیم و در ارتباط با کار صحبت کردیم. من یکی دیگر از نکته های رشد موسیقی را که در ادامه ذکر می کنم، گروهی کار کردن هم می دانم. یک هنر مند هر چقدر بیشتر بتواند کار متفاوت انجام دهد، بیشتر می تواند تاثیر گذار باشد. مثلا وقتی دو خواننده ی معروف در امریکا با سبک های متفاوت با هم می خوانند، طرفدارهایشان بیشتر با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند و این اتحاد در آن ها بیشتر شکل می گیرد. کاوه متذکر می شود: در ایران کسانی هستند که آثار تکنیکال خوبی دارند اما توجه کمی از لحاظ زیبایی شناسی به آثارشان دارند. هنوز در آثار راک ایرانی به زیبا سازی توجهی نمی شود. تاکید بسیاری از آثار، به تکنیک و ژست های تاکتیکیست و زیبایی و اصالت اثر به چشم نمی آید و متأسفانه هنرمندان ایرانی با هم دوست نیستند و به واسطه ی این اخلاق غیر حرفه ای موسیقی ما پیشرفت کمی در جهان دارد. هنر بر بستری از رقابت رشد می کند. ما می توانیم در عین حال که رقیب هستیم، دوست و حامی یکدیگر باشیم. چون با اتحاد می توان جهانی شد و به عقیده ی من ۳ چیز می تواند فرهنگ ایران را تغییر دهد: رپ، راک و سینما! کاوه ادامه می دهد: حدود ۴-۳ سال پیش تعداد راکرها کم بود قبلا ۲۰ گروه بودیم اما الان ۲۰۰ گروهیم. این اشتیاق را متذکر می شود. به عقیده ی من در اواسط دهه ی ۹۰، راک موسیقی اول کشورمان میشود و در همان دوره، زمانی می رسد که دسترسی برای مجوز هم امکان پذیر خواهد شد. همین طور کاوه می گوید: متأسفانه در ایران، قبل از این که مدرنیسم را تجربه کنیم به سراغ پست مدرن رفتیم. دختر ها و پسرهایمان می نشینند، با هم غذا های روز فست فود ها را می خورند، سیگار می کشند و بعد به خانه می روند. پدرشان با پیژامه درب را باز می کند، در خانه هایشان هنوز پشتی دارند، وقتی مهمان می آید، مادرشان چادر سر می کند و... ما در ایران هنوز دهه های ۷۰-۸۰ غرب را تجربه نکرده. با توجه به دنیای امروز و توسعه پایدار باید پله پله، گام به گام به جلو پیش رفت. شاید فکر کنید من همه ی صفحه های راک را جمع کردم یا همه ی سی دی های اورجینال راک را دارم و در و دیوار خانه ام پر از عکس است، اما باید بگویم که زندگی بسیار معمولی است، در واقع چیز نیست که راک در آن تاثیری ندارد.

این که کودک ۱۲ ساله ای از "ایران شهر" مرا نقاشی می کند، در حالی که دست بندی از پرچم ایران

The Ways مانند بسیاری از گروه های راک دنیا، در دوران دانشجویی شکل گرفت و متولد شد! ماجرا به حدود ۱۰ سال پیش بازمی گردد. زمانی که گروه پاپ "کاویان" در سال ۷۹ توسط "علیرضا پور رضا" شکل می گیرد و در سال ۸۱ "کاوه آفاق" به عنوان نوازنده ی گیتار الکتریک به این گروه ۷ نفره می پیوندد. آنها پس از چند اجرای زنده و ضبط ۱ آلبوم، موفق به کسب مجوز برای انتشار رسمی آلبوم خود نمی شوند. پس از آن در سال ۸۳ علیرضا و کاوه با جدی گرفتن علایق شخصی خود، در صدد تشکیل گروه راک بر می آیند این گروه با عضویت ۴ نفر و با نام Empire آغاز به کار می کند. اما این نام تنها برای ۱ سال دوام می آورد و The ways جایگزین آن میگردد و این گونه، گروه پر طرفدار "مسیرها" در زیر زمین های ایران شکل می گیرد. هر چند که به طنز کاوه آفاق می گوید: ما آنچنان هم اهل زیر زمین نیستیم... کاوه حرف های زیادی دارد، از حال و هوایشان می فهمید. کافی است یکی از کارهایشان را بشنوید.

همان طور که می دانید یکی از خصایص بارز سبک راک همکاری گروهیست.

در ایران به طور کلی کار گروهی کمتر صورت می گیرد که البته دلایل خاص

خود را دارد. نام گروه حاوی این محتواست: نشان The Ways ترکیبی از نوشته و تصویر است و پروانه ای را نشان می دهد. کاوه می گوید: این پروانه نمادی از اوج و بلوغ ماست. حرکت نهانی یک دگر دیسی است. کرم زیر خاکی، پیله می شود و پیله، پروانه ای و این راهیست که The Ways آن را طی می کند. این سخن کاوه ناخود آگاه، مرا به یاد این شعر می اندازد: اوج می گیرم اوج... می شوم دور از این مرحله دور، می روم سوی جهانی که در آن، همه موسیقی جان است و گل افشانی نور، همه گل بانگ سرور... تا کجا برد آن موج ترنناک مرا...

همه ی این موارد مقدمه ای بود برای معرفی شخصی به نام کاوه آفاق: خواننده و سرپرست the ways، شاعر، نوازنده ی گیتار و فارق التحصیل رشته ی معماری است. او جملاتش را اینگونه آغاز می کند: از کودکی یکی از دغدغه هایم این بود که پس از مرگم از اثری از من باقی بماند. زمانی دوست داشتم فوتبالیست بشوم بعد هم به فکر بازیگر شدن بودم. زمانی که هنوز آهنگی منتشر نکرده بودم، موهایم را بلند می کردم و گوشواره به گوش داشتم و... چنین چیزهایی را تجربه می کردم. اما، پس از ۲۲-۲۱ سالگی به بینش خاصی

رسیدم و آن نگرش، زندگی مرا به این جا هدایت کرد... باید متذکر شد که فلسفه

زیبایی در پس شخصیت کاوه آفاق هست... همه ی این اتفاق ها باید پیش

می آمد، تا کاوه به چنین جایگاهی برسد و حال او دلیل خوبی برای افتخار

است.


کاوه ادامه می دهد: از آن جایی که ایرانی ها از کم - سواد ترینشان تا تحصیل

کرده ها همگی با اشعار، ارتباط خوبی دارند و توجهشان در یک قطعه بیشتر به

شعر آن اثر هست تا آهنگسازی و تنظیم و... با توجه به این که من وامدار ادبیات کلاسیک هستم و مطالعات زیادی روی اشعار قرن ۷-۵ داشتم، من و دیگر اعضای گروه تصمیم گرفتیم تاکید اصلی گروه ابتدا بر زیبا سازی کلی و سپس بر روی اشعار باشد. کاوه در جواب این سوال که نحوه ی ساخت آثارش چگونه است، می گوید: همه ی موزیسین ها چند روش متداول دارند. من متأثر از شیوه ای هستم که خلق هم زمان ترانه و ملودی با هم است و همیشه بر گرفته از الهام است. ابتدا نواختن آکورد ها و هارمونی ها، سپس شعر به کار گرفته میشود. بعد از این مرحله ادیت، ویرایش و... انجام میشود. منبع الهام من به طور کلی وضعیت روحی و زندگی خصوصی پیچیده ام بوده و هست. اتفاقاتی که در زندگی خصوصی ام پیش می آمد باعث به وجود آمدن بسیاری از این اشعار شد. مثلا اسفند ۸۸ در استودیوی the ways در مشهد، من و آراد آریا (آراد شاکری) از ۹ شب تا ساعاتی از بامداد درگیر

W

S



در دست دارم و برایم ایمیل می کند، این اطمینان را به من می دهد که روزی رفتگری هم آهنگ هایم را گوش خواهد داد و این بس باعث افتخار من است که محبوب مردم از همه ی اقشار به خصوص از طبقه ی عام و پایین و همین طور کودکان باشم. وقتی پارادکس شخصیتیت زیاد باشد، فشار زندگی هم بیشتر می شود. بازی کردن با این مجهول ها ذهن را خیلی مشغول می کند. اما ایده های جالبی برای زندگی در جامعه ی جغرافیایی خود می دهد.

کاوه پیامد هایی که این حرفه به همراه دارد را، این طور بیان می کند: ما همیشه با خطر زندگی می کنیم و هر لحظه حس می کنیم حادثه ای در انتظارمان است. سوء تفاهم های زیادی احاطمان کرده، در خانواده و در بین دوستان و آشنایان، زندگی خصوصیمان فشار های زیادی به ما وارد می کند. خانواده همیشه نگران است که وارد جو آلوده ای نشویم و...

در گذشته چند موزیک برای فیلم های کوتاه ساخته ام ۳ فیلم از جمله "اتاق آبی" و "ته سیگار" به کارگردانی "فرهاد فرد" ۲ فیلم از جمله "کلبه های قانوش" به کارگردانی "محمد محمد زاده" و فیلمی برای "آرش وحدت" که نام آن در خاطر من نیست. کار های جدید... کلیپ صبح ظهر شب، ترکیبی از خمیر، نقاشی و عکاسی است. به نوعی تنها نمونه ی فتو کلیپ ایرانی است. حسین اندرزپور سازنده ی فتو کلیپ ۳۰ ثانیه از کار را برایم ایمیل کرد و من استقبال کردم، با اعضای گروه تصمیم گرفتیم که "صبح ظهر شب" را کلیپ کنیم.

کلیپ **Wing of fantasy** یا "عریق بال های خیال" چندی پیش پخش شد و از استقبال بسیار برخوردار بود. در حال حاضر آهنگی آماده برای پخش دارم و این اثر در اصل، کار هنرپیشه و خواننده خوش صدای آمریکایی به نام نام "تیمو یورو" است. آن را کاور کرده ام. این بانو در سال ۱۹۶۸ آن را خوانده و من با تنظیمی جدید آن را به سبک و سیاق گروهمان نزدیک کردم. البته من این کار را در قالب گروه پخش نمی کنم. در شان گروه نیست کار کاور انجام دهد. آهنگ دیگری آماده دارم به نام "عشق بازی" البته نسخه ی کامل نشده ی آن، همکاری من با "مارال افشاریان" است و بدون اجازه ی ما پخش شد. اما در نسخه ی جدیدش من با "آزاده اتحاد" می خوانم که بسیار صدا ی خوشی دارند در آینده هم کار های زیادی از ایشان خواهید شنید. آلبوم جدید ما به زودی در راه است و درگیر این هستیم که اگر بشود آلبوم را با مجوز ارشاد منتشر کنیم.

در انتها کاوه آفاق تاکید می کند: بسیاری از هنرمندان و همکاران ما، آثارشان را رایگان در اختیار مردم قرار دادند. گروه ما هم جزء این ها بوده، اما اگر کسی آلبوم یا آهنگش را برای فروش می گذارد از مردم تقاضا می کنم که از این عزیزان حمایت کنند، باور کنید این افراد خیلی بیشتر از مهران مدیری احتیاج به حمایت دارند.



PRESTIGE STUDIO
www.Barbadmagazine.com

است. او اشاره می کند: طی تحقیق و پرس و جوهایی که کردم متوجه شدم، پیشینه ای از رپ در ایران نیز دیده شده و با علاقه زیادی که به مولانا دارم، در مطالعاتم متوجه شدم سبک هایی شبیه به رپ امروزی در ایران به نام " رجز خوانی " و " بحر طویل " وجود داشته؛ برای مثال شاعر این گونه بیان می کند: تیر منم، کمان منم، پیر منم، جوان منم...

" بحر طویل " یکی از قالب های نسبتاً متاخر شعر فارسی است که سرایش جدی آن از اواخر صفویه و اوایل قاجار شروع شد. بحر طویل بسیار ساده، زودبای و لذت بخش است. به همین خاطر است که این قالب شعر، از قالب های عامیانه و مردم پسند است. بحر طویل از تکرار نا محدود و دلخواه یک رکن عروضی سالم مثلاً "فاعلاتن" ساخته می شود. همچنین لزومی برای طول مصراع ها در آن وجود ندارد. یک مصراع می تواند تا جایی که شاعر احساس کند، کشیده شود و سپس قافیه ای آورده و به مصراع بعد برود. البته بحر طویل به جز قافیه ی پایانی می تواند در میانه ی مصراع هم قافیه داشته باشد.

حسین متذکر می شود: تصمیم گرفتم با این نگرش و علاقه ی شخصی رپ را دنبال کنم و شعر نوشتن را آغاز کردم، همین طور یک استودیوی خانگی با امکانات خیلی کم درست کردم. اولین کارهایم را در استودیوی خانگیم ضبط کردم ولی بیشتر کارها را منتشر نکردم و علت آن هم حرفه ای نبودنشان بود. ۱۰-۹ سال پیش تعداد کمی بودیم که رپ کار می کردیم. مثل دیو، هیچکس و... البته اولینشون شایان بود. آن زمان ها شروع کار بود و رقابتی هم وجود نداشت و سطح کارها از جمله کارهای خودم حرفه ای نبود

اولین آهنگ استودیویی که منتشر کردم "رپ واقعی" نام داشت و به سبک Rap/Hard Core بود. که این را هم در استودیوی خانگی ریکورد کردم. بعد از آن در اینترنت با حسین ابلیس آشنا شدم. او گروه ۰۵۱ را داشت و مشهد زندگی می کرد. اولین همکاریمون آهنگ "فساد" بود. ابلیس در مشهد و من در تهران خواندم و برایشون فرستادم. در نهایت میکس کردن و در اینترنت برای دانلود گذاشتیم و همکاری من با ۰۵۱ بیشتر شد. در همون دوران از طریق اینترنت با سروش هیچ کس نیز آشنا میشوم اولین آهنگ حرفه ای خود یعنی "کل بسه" را به تنهایی در سال ۸۰، در استودیو ضبط می کنم. محتوای این آهنگ مربوط به کسانی می شد که برای رپ زحمت کشیدند و صحبت از اتحاد و همکاری با یکدیگر است

سپس تصمیم گرفتم فقط به سبک اجتماعی و Gang رو نیاورم و تنوعی در کل کارهایم ایجاد کنم و همه ی سبک های رپ و هیپ هاپ را با یک رندوم خاصی بخوانم. همان دوره با رضا پیشرو که آن زمان ها اسمش رضا ۳Pac بود. چند آهنگ خواندیم، بعد از چند آهنگ پارتی تصمیم گرفتم د کارهایم تنوع داشته باشم، دوستی من و هیچ کس بیشتر شد و آهنگ " تشکر سرخ پوستی " را با هم خواندیم. ۴ سال بعد من به صورت اتفاقی با امیر تتلو آشنا شدم و ایشان هنوز خواننده نبودند و رپر به اندازه ی کافی داشتیم، بر آن شدیم که یک R&B خوان قوی در گروه ۰۲۱ داشته باشیم.

ماحصل اولین آهنگمان " برو از پیش من ۱ " که بسیار موفق شد و خیلی سرو صدا کرد. آن روز من از مسافرت آمده بودم و در اثر سرما خوردگی صدایم کمی گرفته بود در نتیجه ورس من کم تر از بقیه دوستان بود. این آهنگ ترکیبی از "رپ"، "هیپ هاپ" و "آر اند بی" است، به دلیل موفقیت بیش از حد، ویدئو کلیپ آن را ساختیم و بدین ترتیب اولین کلیپ رسمی رپ فارسی ساخته شد.

حسین در ابتدا با "امیر حسین راحتی" و خودش آهنگ سازی کارها را انجام می داد ولی بعد تنظیم آهنگ ها را به عهده "محسن صادقی" می سپارد سپس با آهنگ سازی چون مهدیار آقاجانی و نادر کوهستانی نیز همکاری می کند. او متذکر می شود که: آهنگسازی "هزار و یک شب" و "آقا جون" را "مهدیار آقاجانی" با ایده هایی که در نظر خودم بود، آهنگ سازی کرد و تنها آهنگ " غیر مستقیم " را "نادر کوهستانی" تنظیم کرده است و ادامه می دهد: خواندن آهنگ "آقا جون" به چند دلیل بود؛ ابتدا برای تنوع و سپس به خاطر اعتقاد شخصیم. من در روز عاشورا به دنیا آمده ام، به این علت حسین نام دارم. جا دارد که این جا به کتابی که در ایران چاپ شده و رپر ها را شیطان پرست نامیدند و عکس مرا چاپ کرده اند، انتقاد کنم. هیچ کدام از کسانی که از آنها نام بردند به دیگری ارتباطی ندارد و شیطان پرست نیستند. به هر حال امیدوارم روزی برسد که دیگر چنین مطالب دروغینی در ایران چاپ نشود.

زمانی که با امیر تتلو فعالیتیم بیشتر شد، گروه T&T را تشکیل دادیم. سپس آهنگ "راست میگن" را با شروین خواندم که تلفیقی از هیپ هاپ و پاپ بود. حسین با لحن خاصی می گوید: آقای مهران مدیری زحمت کشیدن، آهنگ راست میگن را جدیداً در یکی از طنزهای خودتون استفاده کردن!! بگذریم...

بعد با افشین آشنا می شوم "گیر میدادی" را با امیر برادر افشین و امیر تتلو خوندم که ویدئوش هم در دبی بود اما قسمت من، در ایران فیلم برداری شد. آهنگ "خانوم خوشگله" را هم با افشین خواندم. حسین معتقد است: ما باید از پیشرفت هر کسی در موسیقی خوشحال بشویم. من هیچ غروری ندارم، غرور کاذبی که بسیاری از همکاران من در موسیقی دارند خیلی بده. ما نباید واسه هم کرکری بخونیم و زیر آب همدیگر را بزنیم.

زمانی که دبی میام، کنسرت های زیادی به روی صحنه می روم اما در سال ۸۷، یعنی زمانی که تهران بودم کنسرتی زیر زمینی

سید حسین موسوی، ملقب به حسین تهی، از سال ۷۹ یعنی در حدود ۱۰ سال پیش پا به عرصه ی موسیقی گذاشت.

قبل از این سال ها، در سنین کم به رپ و هیپ هاپ علاقه داشت و شنونده ی بسیاری از آهنگ های حرفه ای وبه روز بود. تا جایی که به این فکر افتاد رپ را به صورت فارسی اجرا کند.

حسین می گوید لوگوی ۰۲۱ که پیش شماره ی تلفن های تهران است و با دست نشان می دهند، طراحی و ابتکار خودم



گفتگوی با حسین تهی: گل آرا توکلیان

برای اقلیت های مذهبی اجرا می کنیم، اولین کنسرتم در ایران بود و جزو افتخارات بزرگم هستش. امیدوارم بتونیم دوباره در ایران کنسرت داشته باشیم. در همان سال ۸۷، در حالی که دانشجوی ترم آخر کامپیوتر بودم، به ناچار ایران را ترک می کنم و نهایتاً در دبی به زندگی و فعالیت های هنری خود مشغول می شوم. در دبی با ABZ آشنا می شوم. ایشون از آهنگ سازهای بسیار خوبند که سبک اصلیشان پاپ است.

اینجا آهنگ "بغض" را با ABZ دوباره کار کردیم و کلیپش را تهیه کردم. این آهنگ را من از تمام وجودم خواندم و اصلاً برای مجوزش کار نکردم؛ ۵۰۰۰ سی دی آلبوم بغض را با هزینه ی شخصی به سازمان های خیریه در ایران هدیه کردم. همین طور آهنگ "گل ناز" که با همکاری "فریدون آسرایی" منتشر کردم. در اصل محتوای شعرش به خدا بر می گردد و برای خدا خوانده شده. اما شعردو پهلویی هست و به عشق انسانی هم می توان تشبیهش کرد. من شخصاً برای آقای آسرایی احترام زیادی قائلم و در طول کار با آقای فریدون در تماس بودم و ایشان مرحله به مرحله از جریان کار با خبر بودند و صدای ایشان با هماهنگی آهنگ قرار گرفت.

آهنگ "من و این - این و من" که جامائیکان استایل اجرا شده از کارهای خوبم هست. با کامیار هم در آهنگ "از دست تو" همکاری داشتم. یکی از جدیدترین کارهایی که از تهی منتشر شده "تهی واقعی" است. این آهنگ به گوشه ای از معضلات حسین در رپ فارسی اشاره دارد. او متذکر می شود: این آهنگ و سبکس را بسیار می پسندم. اشعار به صورت ترجیع بند اند، البته من با دیدی مدرن تر آن را اجرا کردم. در انتهای ویدئو خواننده مشهور بین المللی AKON. نیز حضور دارد. تهی در شعر این آهنگ متذکر می شود با وجود این که نامش "تهی" است ولی لبریز از چیزهای بسیار است: تهی خالیه ولی پر درده / تهی خالیه ولی بدون خود مرده / تهی خالیه، خالیه از حسادت / بجاش پره از غیرت و اصالت آهنگ تهی واقعی در واقع به سبکیست که حقیقت های رپ فارسی را در آن بیان کردم و زمان زیادی می گذرد که چنین آهنگی نخوانده بودم، دلیل دیگر خواننده هایی هستند که به اسم رپ کار می کنند موسیقی رپ را زیر سوال می برند.

البته طرفدارانم چنین آهنگی درخواست کرده بودند



و من به نظر آن ها احترام گذاشتم. سعی کردم از هر نکته ای که در نظرم مهم بود، قسمتی را در این آهنگ بگنجانم. بعد از این من با AKON از طریق دوستی که ایرانی نبود، آشنا شدم. یک سری از ویدئو های خودم و دوستان دیگر را به AKON نشان دادم و از ۲ ویدئوی "این چیه" و "منو این" خیلی خوشش آمد. در واقع از سبک، آهنگ، ویدئو و... همه چیز این دو نما هنگ استقبال کرد. و گفت به نسبت این که شما امکانات زیادی ندارید، خیلی خوبه. حتی من کارهای بچه ها را هم نشان دادم و AKON متعجب شده بود از اینکه رپ فارسی هم وجود دارد... در همان هتلی که با هم آشنا شده بودیم و صحبت می کردیم، گفت آهنگ جدید چی داری که من آهنگ تهی واقعی رو براش گذاشتم و یک دمو از ویدئو داشتم و بعد گروه ۰۲۱ توضیح دادم و گفتم گروهی در تهران بود که ما در آن می خواندیم و کد تهران هستش. او هم برای حمایت قبول کرد در قسمتی از ویدئوی تهی واقعی بیاید و ۰۲۱ را تایید و حمایت کند. آن زمان وقت محدود بود و AKON تنها چند روز در دبی حضور داشت که متأسفانه زمانی برای همکاری بیشتر نداشتیم. البته صحبت از همکاری های دیگر هم شده، منتهی قطعی نیست و بهتر است فعلاً در موردش چیزی نگویم. بعضی ها گفتند کیفیت دوربین پایین بود و فرق داشت با کل ویدئو. دوربینی که ما از AKON فیلم گرفتیم دوربین ۷d بود. و از کیفیت بالایی برخوردار هست. حتی ویدئوی "منو این" را هم با همین دوربین فیلم برداری کردیم. اما به این دلیل که دموی تهی واقعی از قبل آماده بود، رنگ و نور ویدئویی که از AKON گرفتیم کمی متفاوت شد. حسین متذکر می شود: کار های من پر از تنوع است. هیچ کس نمی تواند با اطمینان بگوید، کار بعدی من چه استایلی

دارد. من

در کارهایم بسیار

حساس و نکته بین هستم و

ارزش زیادی برایشان قائل ام. بخصوص در ویدئو کلیپ هایم. بسیاری فکر

می کنند، ویدئو کلیپ خوب را فقط با پول زیاد می توان تهیه کرد؛ در حالی که من

معتقدم ایده خوب در کلیپ می تواند بر دیگر عوامل غالب شود.

موزیک ویدئو در واقع نماد تصویربست که در ذهن مخاطب می ماند و باعث ارتباط بیشتر با

موزیک میشود... چون به این وسیله پیام، هدف و مقصود موزیک را بهتر به شنونده یا بیننده ی کلیپ

می توان منتقل کرد. بنابراین موزیک ویدئو نقش مهمی دارد هر چند که به عقیده ی حسین، یک پکیج باید

به طور کلی خوب باشد، اعم از شعر، آهنگ، موزیک ویدئو، اکت و اجرای خواننده، حتی کوالیتی میکس و مستر،

آهنگ و موزیک ویدئو... همه ی این فاکتورها زمانی معنا پیدا می کند که مجموعه کامل و خوب باشد و می توان

به عنوان کار خوب از آن اسم برد.

کلیپ های حسین به عهده ی برادران بوشهری، تنظیم کارها به عهده ی ABZ و میکس را ۳F انجام می دهد.

آهنگ سازی، شعر و اجرا هم به عهده ی خود حسین هست.

حسین ادامه می دهد: جدید ترین نماهنگم "بگو هستی" نام دارد. در نماهنگ (موزیک ویدئو) "بگو هستی" از یک

ایده جدیدی استفاده کردیم که کل بدنم صحنه آهسته بود و فقط لب هایم حرکت نرمال دارد. دوستدارانم برای عید

نوروز در خواست یک آهنگ جدید دادند و من به احترام اون ها آهنگ شاد و خودمونی تری را خواندم.

به زودی چند تا سورپرایز دارم. یک ویدئو و آهنگ جدید به زودی بیرون میاد. FT هم با یکی از خواننده های ایرانی

در سبک مختلف دارم. یک ریمیکس حرفه ای از آهنگ "منو این-اینو من" دارم که DJ MAMSI ریمیکس کرده. جالبه

بدونید که این ریمیکس در آلبومی که از بهترین ریمیکس های دنیا و از تمامی کشورها جمع آوری شده قرار دارد و از

کمپانی جهانی SONY/BMG پخش خواهد شد

تهی در مورد دنیای موسیقی تفکرات مثبتی دارد می گوید: ما باید اول با هم به اتحاد برسیم. باید از هم حمایت کنیم. من

شخصاً به همه احترام میگذارم، چون انسان ها لایق احترام اند و سبک و ایده ی هر شخص برای من عزیز و محترم است.

بهتر است همگی وقتمان را صرف پیشرفت کنیم و الان زمان مناسبی برای دیس کردن یکدیگر نیست.

اگر از من بپرسند بین محبوبیت و معروفیت کدام را انتخاب می کنی انتخاب من حتما محبوبیت خواهد بود. ما خیلی

ها را می شناسیم ولی در بین این افراد مشهور از بسیاری خوشمان نمی آید. حتی اگر ۱۰ مخاطب واقعی داشته باشم

، من همچنان با انرژی مثبت به کارم ادامه می دهم. برای مثال اگر بخوام راک بخوانم یا حتی پاپ، باید اطلاعات

لازم و مربوط به آن سبک را داشته باشم تا بتوانم در آن موفق شوم...

رپ هم به همین صورت است، زمانی که شما بخواهید در موسیقی فعالیت کنید، باید در این عرصه حضور داشته

باشید، ضروریست

که راجع به تمام جوانب

تخصصان اطلاعات کسب

کنید، چون یکی از تفاوت های

عمده ی رپ با سبک های دیگر «کلام

محور» بودن آن هست، یعنی بیشتر کلام کار

را می چرخاند. رپ و اصول و قواعد آن در خواندن و

آهنگسازی و به خصوص شعر نوشتنش هست که به نظر من

به همین دلیل باید به این مسائل خیلی دقت کرد. در واقع من علت

موفقیت هر کاری را بیشتر در ابتکار آن اثر می بینم.

یکی از مسایل اساسی که رپ فارسی مقداری از سمت پیشرفت دور شده، آن است که

همبستگی های سابق در بین هنرمندان ما بسیار کم رنگ شده و به نوعی، دیگر وجود ندارد. دلیل دیگر

حضور کسانی که تنها به دلیل پر طرفدار بودن رپ در جامعه به ما اضافه شدند. متأسفانه بسیاری از کسانی که سبک های

رایج در ایران را دنبال می کنند، حداقل ۱ پارت در آهنگشان را به رپ و هیپ هاپ اختصاص می دهند و با کیفیت پایینی آن

را اجرا می کنند.

من در کارهایم تنوع زیادی دارم. و می خواهم به شما بگویم بسیاری از کسانی که رپ کار می کنند و مثلاً آهنگ شاد و رقصی

می خوانند، دلیل بر بد کار کردنشان نیست. حتی Eminem آهنگ ۲/۴ دارد. آیا خالتوراست؟؟ یا Micheal Jackson

و Floria آیا همه ی این ها خالتورند؟ تنوع در کارها باید وجود داشته باشد. تکرر و اصرار بر یک نوع روند همیشگی، آن هم در

موسیقی بسیار خسته کننده می شود.

در ۲amay با دوست خوبم سروش هیچ کس و TM BAX در لندن کنسرت خوبی داشتم. تورها هم شروع شده و تا عید

نوروز همچنان ادامه دارد. در چندماه گذشته آهنگ های "قلبم"، "با من باش" و "تو چی می خواهی" از من پخش شده که

بدون اطلاع در اینتر نت گذاشته شده، این ۳ آهنگ را من و امیر تتلو برای آلبوم TNT چند سال پیش به عنوان

ماکت، کار کرده بودیم. الان بعد از ۷ سال از استودیو برداشته شده و پخش کردند.

در آخر بگویم تنها صفحه ی رسمی من در فیس بوک ۲۱. htohi.com/Facebook است

تنها ایمیلی که می توانم با طرفدارهایم در ارتباط باشم tohifans@gmail.com است و برای روابط کاری-

کنسرت گزاری با ایمیل مدیر برنامه هایم آقای فرید افشار tohimanagement@gmail.com در ارتباط

باشید.

سایت رسمی ام Wwww.htohi.com می باشد.





موسیقی در دوره ساسانی

کیخسروی ، سبزه در سبزه ، سروستان ، ماه ، شادروان مروارید .از دیگر موسیقی دانهای این دوره نکیسای می باشد و درست معلوم نیست که وی ایرانی یا یونانی بوده . همین قدر او را در نواختن چنگ ماهر دانسته اند و نامش هنوز بر سر زبانهاست . دیگر بامشاد و رامتین یا ((رامین)) و آزاد وار چنگی که آنها نیز از مطربان و مغنیان و رامشگران دوره خسرو پرویز بوده اند . بعضی از تاریخ نویسان و تحقیق کنندگان ایرانی و اروپایی اسامی الحان قدیم موسیقی را گرد آورده و در اینکه کدام یک از آنها مربوط به دوره ساسانی است سخنها گفته اند. از جمله استاد فقید عباس آشتیانی در اثر تتبع و کاوش در فرهنگها و دیوان شعرا نام عده ای از نغمات موسیقی را جمع آوری کرده و در مجله کاوه مقاله ای استادانه نوشته اند .

اینک نیز برای نمونه نام چند نغمه دیگر را از میان اسامی که ایشان یافته و مربوط به دوره ساسانی می دانند ذکر می کنیم: پالیزبان سبز بهار، باغ سیاوشان ، راه گل، شاد باد ، تخت اردشیر ، گنج سوخته دل انگیزان ، خسروانی ، نوروز (بزرگ و کوچک و خارا) جامه دران . نهفت ، در غم ، گلزار ، روشن چراغ ، گل نوش، زیر افکن . باری تجمل سلطنت ساسانیان خود دلیل دیگری است که موسیقی در آن دوره آبرو و احترام و رونق و اعتباری داشته بخصوص که بعضی از شاهان این سلسله از قبیل بهرام گور و خسرو پرویز مردمی عشرت دوست و عیش طلب و خوشگذران بوده اند .

دلیل دیگر بر اهمیت موسیقی دوره ساسانی اینکه عربها بعد از فتح ایران موسیقی ایرانی را عینا اختیار کردند و بین آنها بکلی از این هنر عاری بودند نوازندگان و خوانندگانی پیدا شدند ، چنانکه در جای خود اشاره خواهد شد . ضمنا اشاره به این نکته بی فایده نیست که به عقیده مزدک که در زمان قباد ساسانی مذهبی آورد ، خداوند آسمانها مانند پادشاهی بر تخت نشسته و چهار قوه یعنی شعور و عقل و حافظه و شادی در پیش او ایستاده اند و این چهار قوه به دستکاری شش وزیر امور عالم را اداره می کنند و وزیرها در میان دوازده روح در حرکتند که یکی از این ارواح ((خواننده)) است . قوه شادی که نماینده موسیقی است در نظر مزدک مانند سه قوه دیگر اهمیت داشته و این عقیده شاید از اوضاع زمان ساسانی در روح مزدک نفوذ کرده باشد . زیرا همانطور که ساسانیان مخصوصا بعضی از شاهان این سلسله برای طبقه نوازندگان و سراینندگان مرتبه خاصی تشکیل داده بودند و آنها را احترام می کردند ، مزدک هم یکی از قوا را که در نزد خدا محترم بوده قوه شادی و موسیقی تصور کرده است .

راجع به سازهایی که در دوره ساسانی معمول بوده بطوریکه از مضمون حکایات و قصص و افسانه ها و اشعار و مطالبی که در این باب نوشته اند برمی آید ، نای و عژک و رباب و بریط و چنگ در آن زمان متداول بوده است. جمله موسیقی دانان معروف زمان خسرو پرویز می توان "باربد" ، "نکیسا" ، "بامشاد" ، "رامتین" ، "آزاد وار چنگی" و "کوسان نواگیر" را نام برد.

باربد : از موسیقی دانان و نوازندگان بنام و از بزرگترین آهنگ سازان عهد خسرو پرویز بود که بسیاری از الحان و نواهای موسیقی را که هنوز بعضی از آن ها با همان نام در ردیف دستگاه های موسیقی کنونی ما باقی مانده است از ساخته ها و پرداخته های او می دانند و برخی اختراع "مقامات" را به او نسبت می دهند ؛ یکی از زیباترین نغماتی را که به او نسبت می دهند و به یادگار مانده قسمت هایی از نغمه " خسروانی " می باشد.

نکیسا : از موسیقی دانان عهد ساسانی و از چنگ نوازان و خوانندگان دربار خسرو پرویز بود . نظامی می گوید : نکیسا نام ، مردی بود چنگی / ندیم خاص خسرو بی درنگی / از او خوش گوتری در لحن و آواز / ندید این چنگ پشت ارغنون ساز / چنان می ساخت او الحان موزون / که زهره چرخ می زد گرد گردون

آزاد وار چنگی : از زنان معروف موسیقی دان عهد بهرام گور بوده که در نواختن چنگ شهرت داشت.

کوسان نواگیر: از مردان مشهور موسیقی و نوازنده نی بوده است. چنگ نوازی تنها اختصاص به آثار تاق بستان ندارد بلکه در موزاییک های به جا مانده از کاخ بیشاپور در استان فارس نیز به چشم می خورد. موزاییک بانوی چنگ نواز که اکنون در موزه ی لوور قرار دارد یکی از همان نقشینه هاست

یکی از وسایل موسیقی که در آثار دوره ی ساسانی به چشم می خورد «چنگ» است. به عنوان نمونه در نقش برجسته ی شکارگاه گراز در تاق بستان، در نما دیده میشود

نقاشی این صفحه: نظامی گنجوی-بزم باربد توسط میرزا علی

منبع: اینترنت



از آنجا که پادشاهان ساسانی ایرانی نژاد بودند و به بسط و توسعه تمدن ایرانی علاقه مخصوصی داشتند ، در دوره آنها علوم و صنایع ترقی کرد و موسیقی هم در اثر ترغیب و تشویق آنها بیش از پیش رواج و رونق گرفت . اردشیر ساسانی مردم را به طبقات مختلف تقسیم کرده بود که از آنجمله موسیقی دانهای طبقه خاصی را تشکیل می دادند و در نزد او مقامی مخصوص داشتند . ذوق ادبی و موسیقی بهرام گور معروف است ، چنانکه نوشته اند وی چهار صد تن نوازنده و خواننده از هند به ایران آورد و در زمان او موسیقی دانهای بر سایر طبقات مقدم بودند و او آنها را نوازش بسیار می کرد .

موسیقی دوره ساسانی مخصوصا در زمان خسرو پرویز بیشتر ترقی کرد و باربد موسیقی دان خاص او بوده که در کتابهای ادب و تاریخ مانند شاهنامه فردوسی و خسرو و شیرین نظامی حکایاتی از او نقل شده است . به طوریکه نوشته اند باربد مخترع عده ای نواها و آهنگهایی است که آنها را در حضور خسرو پرویز می نواخته و مشهور است که وی ۳۶۰ لحن موسیقی برای روزهای سال ساخته و هر روز یکی از آنها را که مناسب موقع بوده می نواخته است تا خسرو از تکرار نغمات موسیقی خسته نشود .

مقام او نزد خسرو به آن پایه بود که هر کس حاجتی داشت مطلب خود را به وسیله او به عرض شاه می رساند . از جمله وقتی که اسب محبوب سلطان موسوم به ((شبدیز)) مرد ، کسی را جرات اظهار آن نبود

، باربد نغمه مخصوصی در این زمینه تهیه کرد و خسرو را از حادثه آگاه نمود . نظامی اسامی سی لحن باربد را که برای ۳۰ روز ماه ساخته در کتاب خسرو و شیرین آورده و مطلب را با این شعر آغاز کرده : ستای باربد آواز در داد / سماع ارغنون را ساز در داد.

اسامی که نظامی در خسرو و شیرین آورده معلوم نیست نغمات اختراعی باربد

باشد ولی چون نام اغلب آنها فارسی خالص است و دیگران هم

همین نامها را کم و بیش قبل از او ذکر کرده اند ، می توان با

حدس نزدیک به یقین گفت که این نغمات یادگار دوره

ساسانی است . از قبیل : گنج باد آور ، آرایش

خورشید مشگدانه ، نیمروز ، رامش جان ،

نوشین باده ، نو روز ، شبدیز ، کبک دری ،